

به نام پروردگاریکتا

# اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی

از مجموعه پژوهش‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی»

رضا داوری اردکانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قری و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### اخلاق در زندگی کنونی

### و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی

مؤلف: رضا داوری اردکانی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: سیاوش صفری

صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۶۳۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: داوری، رضا، ۱۳۱۲ -

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی/رضا داوری اردکانی؛ ویراستار صوری سیاوش صفری.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۱۷ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-622-6304-71-9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۴۱۳]-۴۱۷.

موضوع: اخلاق، موضوع: Ethics

موضوع: اخلاق جدید -- قرن ۲۱ م.، موضوع: Ethics, Modern -- 21st century

موضوع: اخلاق اجتماعی -- ایران -- تاریخ، موضوع: Social ethics -- Iran -- History

موضوع: علوم -- جنبه‌های اخلاقی، موضوع: Science -- Moral and ethical aspects

موضوع: ایران -- اوضاع اخلاقی، موضوع: Iran -- Moral conditions

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BJ۱۰۱۲

رده بندی دیویی: ۱۷۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۷۹۴۷۳

وضعیت رکورد: فیبا

## فهرست مطالب

سخن پژوهشگاه.....	۵
کلامی در محضر استاد؛ مواجهه ناب متفکر با مسئله اخلاق.....	۱۱
درآمد.....	۱۳

### بخش اول

بحران اخلاقی معاصر و وضع اخلاق در جهان

فصل اول: کلیات و طرح مسائل.....	۱۹
فصل دوم: نسبت اخلاق با دین و سیاست.....	۱۹
فصل سوم: اخلاق و هنر.....	۴۱
فصل چهارم: تحول اخلاق در تاریخ اقوام و ملل.....	۴۹
فصل پنجم: اخلاق در زمان جدید.....	۶۲
فصل ششم: فرد و جمع.....	۷۶
فصل هفتم: آزادی و اختیار و اخلاق.....	۸۷
فصل هشتم: اخلاق و فلسفه.....	۱۰۵
فصل نهم: ایدئولوژی و اخلاق.....	۱۱۸
فصل دهم: آیا اخلاق جزئی از متافیزیک (مابعدالطبیعه) است؟.....	۱۳۸
فصل یازدهم: اخلاق و جامعه.....	۱۴۷

### بخش دوم

نظر اجمالی به اخلاق در تاریخ ایران

فصل اول: اخلاق ما ایرانی‌ها در آینه ادبیات.....	۱۵۶
---	-----

#### ۴ اخلاق در زندگی کنونی

- فصل دوم: اخلاق در جهان‌های متفاوت..... ۱۷۳
- فصل سوم: اخلاق در دوران تجدد و تجددمآبی..... ۱۹۵
- فصل چهارم: وقتی اروپا خرد و خردمندی را به خود اختصاص می‌دهد... ۲۰۸

#### بخش سوم

اخلاق کنونی از کجا آمده است؟

- فصل اول: آیا خلیات امروز ایرانی‌ها میراث نیاکانشان است؟..... ۲۴۴
- فصل دوم: نگاه سیاسی به اخلاق..... ۲۵۵
- فصل سوم: اخلاق در برخورد با تجدد..... ۲۶۳
- فصل چهارم: اخلاق و شرایط اجتماعی و اقتصادی..... ۲۷۰
- فصل پنجم: توجه به خلیات و آغاز خودآگاهی..... ۲۷۵

#### بخش چهارم

نسبت تاریخی میان علم و اخلاق

- فصل اول اخلاق و شرایط اخلاقی قوام و بسط علوم انسانی و اجتماعی:..... ۲۸۸
- فصل دوم: علم در جهان توسعه‌نیافته..... ۳۱۷
- فصل سوم: شرایط تاریخی پدیدآمدن علم..... ۳۳۲
- فصل چهارم: علم در دهه‌های اخیر..... ۳۳۹
- فصل پنجم: تأسیس علم بدون اخلاق نمی‌شود..... ۳۵۴
- فصل ششم: علم بدون اخلاق ثمر نمی‌دهد..... ۳۷۸
- فهرست بعضی از منابع..... ۴۱۳

## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و برپایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربرست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربرست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانته علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی ال‌کسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب



## سخن پژوهشگاه ۹

آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

### حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



## کلامی در محضر استاد؛ مواجهه ناب متفکر با مسئله اخلاق

از زمان شکل‌گیری تمدن و اجتماع بشری، «زیست اخلاقی» به یک مسئله بدل شده است. این پرسش که «کدام عمل از حیث اخلاقی رذیلت است و کدام فضیلت» همواره فکر و ذهن آدمیان را به خود مشغول داشته و مباحث و مناقشات گسترده‌ای را رقم زده است. اما در جهان امروز، با فروپاشی بسیاری از پیش‌فرض‌ها و اسطوره‌های برسازنده مبانی اخلاق، این مسئله اهمیتی مضاعف یافته است که مبانی اخلاق و شروط کشف و تحقق آن چیست؟ در همین مسیر، جناب استاد، دکتر رضا داوری اردکانی، در اثر حاضر به بررسی موضوع اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی پرداخته است. فارغ از ضرورت موضوع و محتوای ارزشمند اثر، باید خاطر نشان کرد: نگارنده این اثر خود از بزرگ‌ترین اندیشمندان ایران معاصر است. از این روی، این کتاب بیش از آنکه یک پژوهش متعارف دانشگاهی باشد، نظریه‌پردازی یک اندیشمند اصیل و بسیار مجرب است. البته استاد در این راه، خود را به شیوه‌های نگارش آکادمیک و قواعد دست‌وپاگیر مقاله‌نویسی و ارجاع‌دهی محدود نکرده و کوشیده است تا یافته‌هایش را به شیوایی تبیین کند.

این اثر از آن رو اصیل به‌شمار می‌آید که از مواجهه ناب ذهن این متفکر معاصر با معنا و کارکرد اخلاق در جهان امروز و امکانات آن برای پیشرفت فرهنگ و علوم برخاسته است.

مایه مباهات این جانب است که جناب استاد دعوت ما را برای تألیف اثری، تخصیصاً برای پژوهشگاه، در زمینه نسبت اخلاق و علم امروز اجابت کردند و اکنون خدا را شاکریم که این اثر تدوین و به زیور طبع آراسته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مفتخر است که این اثر ارزشمند و نظرورزانه را برای بهره‌بردن مخاطبان جدی و دغدغه‌مند امروز و فردا به چاپ می‌رساند. امید است که این مباحث با نقد و نظر دیگرانی همراه شود که این راه را ادامه می‌دهند، بحث‌های اصیل علمی را قدر می‌دانند و خود در ژرفا به آنها می‌اندیشند.

حسینعلی قبادی

## درآمد

این دفتر حاوی گزارش پژوهشی است دربارهٔ اخلاق و مقام آن در زندگی انسانی و وضعی که در کشور ما پیدا کرده است و نسبتی که با علم و آموزش و پژوهش و به خصوص با علوم انسانی دارد. تحقیق در اخلاق از همه حیث و مخصوصاً از حیث اخلاقی دشوار است، زیرا در مورد اخلاق نمی‌توان بی‌طرف ماند. البته اگر منظور مطالعه در رفتار و کردار و آداب مردمان و گزارش آن‌ها باشد، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان به خوبی از عهدهٔ این کار برمی‌آیند، اما کسی که اخلاق را از منظر فلسفی می‌بیند باید مشخص کند که اخلاق چیست و با وجود آدمی چه نسبتی دارد؟ و مهم‌تر اینکه چه زمانی و چگونه مردمان تا حدی به اخلاق روی می‌آورند و چرا گاهی اخلاق رو به انحطاط می‌گذارد؟ اخلاق در ظاهر امری فردی است، زیرا این شخص است که باید مسئول عمل خود باشد و نمی‌دانیم آیا کسی تاکنون در تاریخ زیسته است که مطلقاً غیراخلاقی باشد، یعنی هر کاری را مباح بداند و بی‌پروا هر چه می‌خواهد بکند و بگوید و فراموش کند؟ این مسئول بودن و پروا داشتن به این معنا نیست که اگر در زمانی پای‌بندی مردمان به اخلاق کم می‌شود، یکایک آن‌ها را مسئول بدانیم و ملامت کنیم و اگر بنا بر ملامت باشد، در چنان زمانه‌ای و چنان جامعه‌ای، کیست که حق ملامت داشته باشد؟ اخلاق شأنی از زندگی آدمیان است و در روابطی که آنها با یکدیگر و با جهان دارند ظهور و تحقق پیدا می‌کند. این امر می‌تواند به ما کمک کند تا دریابیم چرا یونانیان دو لفظ و دو معنی برای زندگی

داشتند که زندگی در معنای اول رفع نیازهای ضروری بود و زندگی در معنای دوم زندگی آزاد و اخلاقی. در این پژوهش سعی شده است معنی اخلاقی بودن تا حدی مورد بررسی قرار گیرد. سپس وضع اخلاقی کشور در قرون اخیر مورد بررسی قرار گیرد و این همه تمهید مقدمه‌ای باشد برای فهم و درک شرایط اخلاقی مواجهه با علم جدید و به خصوص علوم انسانی. طرح بحث علم و اخلاق مخصوصاً از آن جهت دشوار است که این دو را عمده‌تاً به‌عنوان دو امر متعین و متحقق در نظر می‌گیرند و در همان نظر اول استدلال می‌کنند که احکام اخلاق انشایی (تجویزی) و احکام علم خبری (توصیفی) هستند و این دو قسم حکم نمی‌توانند نسبتی منطقی با هم داشته باشند. این نتیجه‌گیری درست است اما علم و اخلاق نه دو امر ثابت، بلکه همواره در تحول‌اند. اخلاق در جان ماست. علم نیز با طلبی پدید می‌آید که آن هم در جان ریشه دارد. پس باید میان علم و اخلاق نسبت و تناسبی وجود داشته باشد که با یکدیگر ارتباطی متقابل ایجاد کنند. در قضیه نسبت علم و اخلاق بسته به اینکه چه صورت و جلوه‌ای از علم و اخلاق را در نظر آوریم نظرها متفاوت می‌شود. اگر مراد این باشد که برای روکردن به علم باید به اشخاص درس اخلاق داد، نسبت علم و اخلاق را درست در نیافته‌ایم. هر چند که همیشه باید به درس اخلاق گوش فراداد و تا آنجا که میسر است از دستوراتش پیروی کرد، اما فراگرفتن علم و اشتغال به تعلیم و پژوهش موقوف و موقوف به تحقق دستورالعمل مزبور نیست. علم نیز به‌عنوان مجموعه احکام و قضایا و قواعد با اخلاق نسبت مستقیم ندارد. اما این هر دو در جان آدمی و در نتیجه در ظهور و سیر و زوال به هم بسته‌اند. جامعه‌ای رو به علم می‌کند که در جانش نیروی اخلاق فعال باشد و مردمی که اخلاقی‌اند و احساس تکلیف و آزادی می‌کنند نمی‌توانند به علم بی‌اعتنا باشند. پس نسبت علم و اخلاق را باید در

جان‌های مردمان و در روح جامعه جست‌وجو کرد نه در قضایا و احکام علمی و اخلاقی. به این جهت، بدون رجوع به تاریخ این نسبت را نمی‌توان دریافت. من بحثم را بر این اساس قرار داده‌ام که اقوام جهان همواره خلق‌وخویی ثابت ندارند؛ یعنی نه همیشه اخلاقی‌اند و نه به کلی بیگانه با اخلاق‌اند. از زمان رنسانس به تدریج این تلقی در غرب جدید به وجود آمد و قوت گرفت که گوشه‌ای از جهان متعلق به مردمی خردمند و دانا و درستکار است و مردم دیگر مناطق جهان بی‌خردان و نادانان و بی‌پروایان به اخلاق‌اند. این تلقی دامن ما را هم گرفت و بسیاری از اروپاییان ایرانی‌ها (و به طور کلی شرقی‌ها) را اهل خرد و دانایی و اخلاق نمی‌دانستند. کسانی از ایرانی‌ها و شرقیان نیز این رأی را پذیرفتند و تکرار کردند. چنان‌که در کشور ما از دههٔ چهل قمری، که سکوت وحشتناک بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ شکسته شد، حتی بعضی از ایران‌دوستان و خیرخواهان کشور و مردم به توجیه ضعف‌ها و بدی‌ها و کج‌رفتاری‌ها و ندانم‌کاری‌های ایرانی‌ها پرداختند و این صفات را راسخ در جان اقوام ایرانی و میراث تاریخی آن‌ها دانستند و این بیشتر بر اثر تأثیری بود که منورالفکرهای اروپایی و به خصوص شرق‌شناسان در فکر و رأی مردم همهٔ مناطق جهان گذاشته بودند.

در این نوشته کوشش شده است که بی‌اساس بودن این قول، که بوی نژادپرستی می‌دهد، نشان داده شود. ما اگر در زمان‌هایی گرفتار بداخلاقی و بی‌اخلاقی بوده‌ایم و شده‌ایم، و اکنون نیز مبتلا هستیم، این ابتلا و گرفتاری امری زمان‌مند و تاریخی است و در نتیجه ضروری نیست و دوام ازلی - ابدی ندارد. پس می‌توان تأمل کرد که چگونه می‌توان و باید از این رویکرد فاصله گرفت. تأکید بر اینکه داشتن علم و زندگی و سیاست درست موقوف و موکول به پایبندی به اصل تکلیف و مسئولیت است، بدان سبب بوده است که اقوام در ذات خود صاحبان خرد یا

بی‌خردی و متعلق به جوامعی اخلاقی یا غیراخلاقی نیستند و اگر مردمی دچار بی‌خردی و لاپرواہی شوند، بنا نیست همواره در این بلا بمانند؛ و می‌توانند با تذکر و خودآگاهی از آن نجات یابند. در زمانه حاضر نیز نباید تسلیم فساد گسترش‌یابنده غالب شد، زیرا خود این تسلیم سبب می‌شود که فساد در همه‌جا و همه‌چیز نفوذ کند و چه‌بسا سودای تصرف همه‌چیز و همه‌جا را داشته باشد. حکومت و دولت، اگر بتوانند به این خودآگاهی برسند و بخواهند که کشور را از فساد نجات دهند، از عهده این مهم برمی‌آیند. مشکل این است که حجاب‌های غفلت سخت شده است. حکومت و دولت نیز آسایش در حجاب بی‌خبری و غفلت را بر درد هوشیاری و خودآگاهی ترجیح می‌دهند. در این گزارش همه‌جا اخلاق نه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، بلکه به‌عنوان درد وجدان و ره‌آموز نیکی و دانایی منظور بوده است و نکته آخر:

این دفتر، به‌صورتی که هست، بدون یاری و همراهی بی‌دریغ همکاران گران‌مایه‌ام آقای مهندس سیدعلی پزشکی و خانم بهاره برزگر فراهم نمی‌شد. زبانم از ادای تشکر قاصر است. امیدوارم سعی نویسنده هم بیهوده نباشد.

رضا داوری اردکانی

۱۸ آذر ۱۳۹۸



# بخش اول

بحران اخلاق معاصر و وضع اخلاق در جهان



## فصل اول

### کلیات و طرح مسائل

بحث از اخلاق است، اما نویسنده این سطور واعظ نیست و قصد وعظ و نصیحت ندارد. هرچند که ما همه به نصیحت و موعظه نیاز داریم. مع‌هذا این وقت و وقت اندرز نیست. اکنون موعظه اگر بتواند دل و جان را برانگیزد و تکانی در وجود اشخاص و گروه‌ها پدید آورد، اثرش بیشتر تسلی‌بخشی و آسوده‌کردن خاطرها و ایجاد حس رضایت از کاروبار خویش و قبول وضع موجود است.

نکته دیگری که باید روشن شود این است که در شرایط کنونی بحث درباره اخلاق چه ضرورت و اثر و اهمیتی دارد؟ می‌گویند و درست هم می‌گویند که مردمان همیشه باید مواظب اخلاق و رفتار خود و دیگران باشند، ولی این پاسخ چیزی را روشن نمی‌کند و در حقیقت فرار از مسئله است. پرسش این بود که چرا در شرایط کنونی از میان این همه مسائل و گرفتاری‌ها به این مسئله توجه شده است؟ آیا یک وجه و وجه عمده‌اش این نیست که ما از وضع اخلاقی‌مان ناراضی هستیم و بی‌اعتنایی به اخلاق را اگر نه خطرناک دست‌کم نشانی از لابلالی‌گری می‌دانیم؟ اکنون در همه‌جا، حتی فاسدان و مفسدان و سررشته‌داران فساد از فساد و بی‌اخلاقی می‌گویند اما کسی آن را مهم نمی‌گیرد و چنان‌که باید نگرانش نیست. نگران وضع اخلاقی نبودن تسلیم در برابر بی‌اخلاقی

است. حال پرسش اساسی این است که مگر بر سر اخلاق ما چه آمده است؟

اول بگویم که اخلاق در سراسر جهان کنونی دچار بحران است و این تنها ما نیستیم که دروغ می‌گوییم، بی‌پروا هتک حرمت می‌کنیم، تهمت می‌زنیم و به نام فضیلت و حقیقت و خدا کام و مراد خود می‌جوئیم و به آثاری که بر گفتار و عملمان مترتب می‌شود اعتنائی نداریم و در یک کلمه خود را حق و میزان همه‌چیز می‌دانیم و نمی‌دانیم که این وضع عین انحطاط یا سیر به سوی صورتی از زندگی است که تجدد در آغاز راهش از زندگی شرقی تصویر کرد. بحران جهانی در هر جا ظهوری دارد و هیچ امری در جهان کنونی مستقل از مسیر تجدد واقع نمی‌شود حتی اگر در ظاهر مخالف با تجدد باشد. چنان‌که مثلاً داعش، که معمولاً آن را نماینده گروه‌هایی از قشری‌ترین مسلمانان می‌دانند بیش از آنکه به مذاهب و حوزه‌های قشری دین بستگی داشته باشد (این‌همه درباره این تیمیه و رجوع به آرای او بحث می‌شود)، از زمین برهوت نومیدی و در هوای بحران تاریخ غربی روییده است و دلیلش این‌که اختصاص به منطقه خاص و حتی به کشورهای اسلامی ندارد، بلکه جهانی و بین‌المللی است و بسیاری از پیروان غیرمسلمانش که به آن می‌پیوندند به گرایش‌های افراطی بنیادگرایانه مانند داعش می‌گروند. درست است که داعش و همه گروه‌های قشری و تلخ و خشن و تبهکار مدعی دفاع از دین قول و فعل خود را به مرجعی در گذشته بازمی‌گردانند، اما مهم است که بدانیم چرا تا پنجاه سال پیش چنین گروه‌هایی وجود نداشتند و اگر بودند خود را به ابن تیمیه منسوب نمی‌کردند و وجه انتخاب ابن تیمیه توسط گروه‌های خشن فعلی صرفاً برای ردگم‌کردن و اثبات داعیه مسلمانان است. اگر ابن تیمیه در پدیدآمدن این گروه‌ها مؤثر بود، می‌بایست در این پانصد ششصد سال